

معماری مساجد در صحاری بزرگ افریقا

لابل پروسین
ترجمه مهدی حسینی

اسلام در قاره افریقا به شکل‌ها و در «زمان‌های مختلف» توسعه یافت و قالب‌های متنوعی به خود گرفت. مبلغان مذهبی آن متعدد و در عین حال بسیار هوشیار بودند. در مواردی از نیروهای تهاجمی سود جستند ولی در اغلب موارد به صورت‌های مسالمت‌آمیز به اشاعه دین پرداختند. برخی اوقات اسلام موجب ساختارهای نوین سیاسی گردید و در برخی اوقات نظام اقتصادی کاملاً نوینی برپا ساخت.

اسلام افریقایی فرهنگ‌ها و لایه‌های متنوع اقتصادی، معیشتی و نیز شکل‌های متنوعی از اقلیم، معماری و شیوه‌های ساخت بی‌شماری را دربر می‌گیرد. گرایشات مذهبی به همان میزان دارای تنوع است که نظام‌های اجتماعی و ریشه‌های فرهنگی آن. در برخی از موارد دستورات اسلام (شریعت) بدون چون و چرا پذیرفته شد و در مواردی با سنت‌ها و باورهای محلی مزوج گشت.

معماری سنتی افریقا بر تعدادی اصول بنیادین شکل

دانشمند برجسته افریقایی، آ. ممپاته با، به‌نقل از تیرونو بوکار، (حکیم باندیاگارا)، ویژگی منحصر به فرد اسلام را در قاره افریقا، در قالب استعاره‌ای ظریف چنین بیان می‌دارد:

بسیار دیده شده است و بسیار اتفاق افتاده است که به هنگام آوردن اسلام، کشور، یکی از انوار رنگینی، که نور درخشان الهی، با گذر از منشور عظیم اسلام منتشر می‌سازد، اتخاذ نموده و به اسلام ایمان آورده است.^۱

در افریقا اسلام، رنگی فراتر از رنگ خاکی و سنگی که در آب بازتاب یافته است، ندارد. به‌عوض ایقا شکل نازلی از آن، اسلام در افریقا بازآفرینی شده، لحنی محلی به خود گرفته و به سیاق و بانی نزدیک گشته است که پاسخگوی نیازهای اقلیمی باشد. هیچ مورد مشخص دیگری مانند معماری مساجد، در دنیای گسترده اسلام، نمی‌توان یافت که این چنین شکلی بکر محلی به خود گرفته باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اندودکاری برجک مسجد بزرگ جن. تیرهای بیرون زده سلف نه تنها در استحکام برج نقش عمده ای دارند، بلکه همواره داربست محکم و ثابتی هستند که برای مرمت و اندودکاری سالانه مسجد، با گچ و خاک، پوسته، از آن استفاده می شود.

گرفته است. نخست، تفهیم، تعریف و قابلیت فضا در پیوند با مسایل انسان‌شناختی، جغرافیایی و اجتماعی است. دوم، ساختمان‌سازی یک فرآیند متداوم است. هرگز معماری خاتمه نمی‌پذیرد با یک تاریخ مشخص اتمام بنا و یا هرگز دیده نشده است که معمار یا جمعی از معماران اظهار دارند که «کار خاتمه یافته است»، زیرا معماری پیوسته در حال تحول است.^۲ محیط طبیعی و محیط مصنوع تا زمانی حیات دارند که پیوندشان با مردم منفصل نگشته باشد. سوم این‌که، استمرار حیات از گذشته به حال و از حال به آینده در حرکت است و چهارم این‌که، نمادها در جامعه، عموماً از مراسم مذهبی نشأت گرفته‌اند.

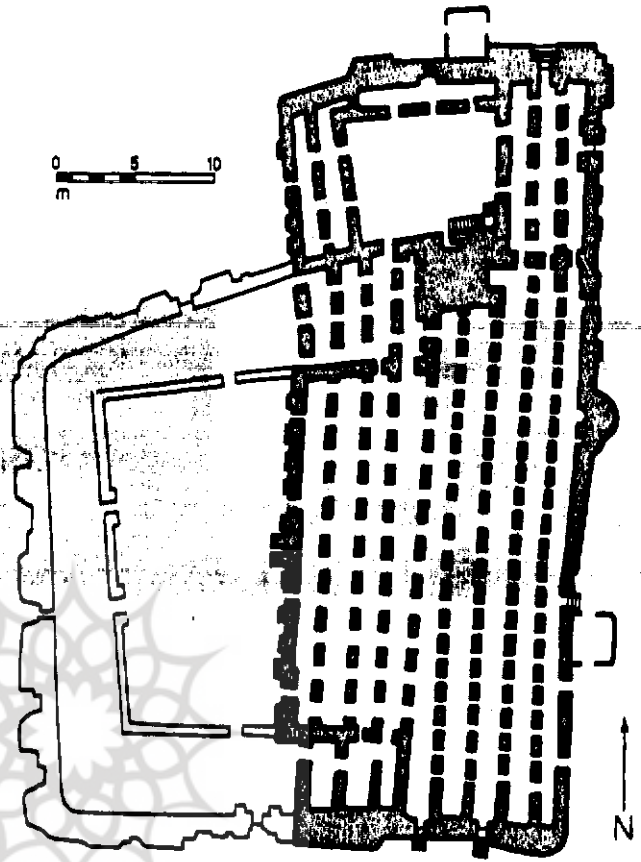
از لحاظ تاریخی و فرهنگی، اسلام از آغاز ظهورش در صحرای بزرگ افریقا، در حاشیه شریان‌های اصلی اقتصادی: سواحل دریای سرخ، بنادر ساحلی و اراضی ساحلی اقیانوس هند در شرق تا نوبیا و نیز در خود قاره افریقا از شمال تا صحرای مرکزی و غرب افریقا، گسترش یافت. حضور سوداگران اباهایت در غرب سودان که از ناحیه طاهر در شمال افریقا، آمده بودند، در اسناد قرن دوم هجری مضبوط است.^۳ این نواحی رشد یافته و توسعه پیدا نموده‌اند به گونه‌ای که اکنون بیروان اسلام بیش از نیمی از قاره را دربر می‌گیرند. در شرق، سرچشمه اصلی نفوذ و گسترش اسلام بیش‌تر از ناحیه مصر، عربستان، هند، چین و اندونزی توسط بازرگانان دریایی، سوداگران و نیز مهاجرانی که منافع مشترکی با یکدیگر داشتند، هم‌زمان با تأسیس مکتب «شافعی» در مدت‌زمان نسبتاً کوتاهی، صورت پذیرفت. در شرایطی که این اقوام قادر بودند بسیار سریع و مستقیم از مهارت‌های استادکاران خاور نزدیک سود جویند، سنت‌ها و مفاهیم معماری، در سرزمین‌های غربی اسلام، تحت‌تأثیر شرایط بازرگانی و اقلیمی تازه مذهب‌ها قرار گرفت. مذهب مالکی که از گذشته بسیار دور، اندیشه اعتقادی‌اش سلوک لازم را یافته بود، در

ساختارهای سیاسی و اقتصادی موجود جذب شد، زیرا از سوی نخبگان بومی حاکم، که یکدیگر را پشتیبانی می‌کردند، مورد حمایت قرار می‌گرفت.

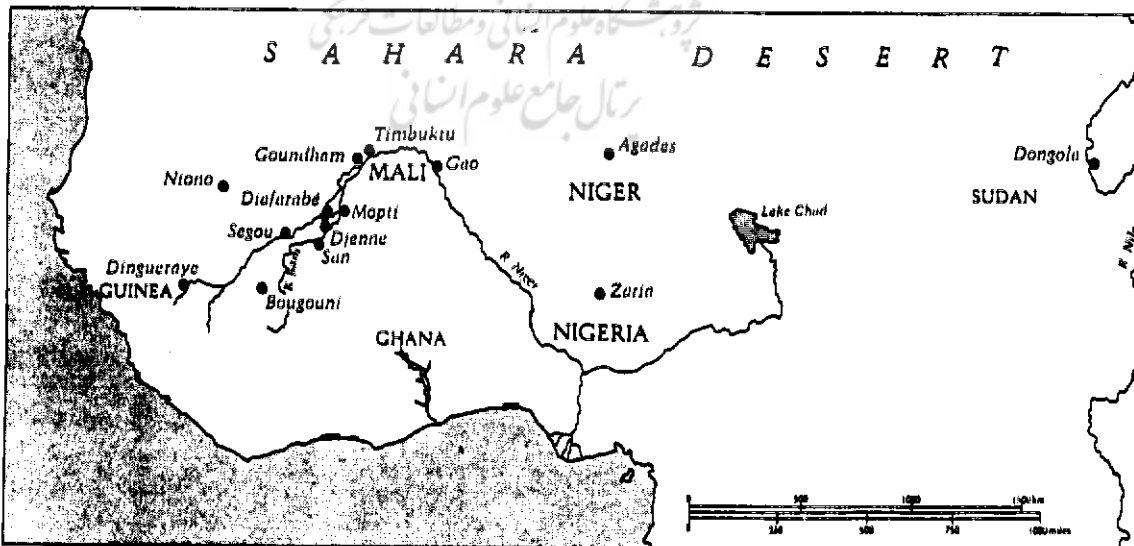
هم‌چنین شیوه‌های معماری به نحوی شکل پذیرفتند که بتواند پاسخگوی شرایط اقلیمی بوده و این امکان فراهم باشد که از مصالح موجود بهره‌جویند. هوای سواحل شرقی افریقا با نسیم مرطوبی که پیوسته از جانب دریا وزان است، شرایط جوی کاملاً متفاوتی در مقایسه با آب و هوای جلگه‌ای صحاری گرم و خشک غرب افریقا دارد. مصالح طبیعی موجود مانند سنگ، خاک و الوار به‌همراه ابتکار عمل و مهارت در استفاده از این مصالح و نیز اعتقادات بنیادینی که ساختار و در عین حال شکل عینی آن را مشخص می‌دارد، تفاوت‌هایی به‌وجود آورده است. برای مطالعه معماری اسلامی در غرب افریقا ضروری است بدانیم که این اصول توسط چه قشری، در منطقه‌ای به این وسعت، اشاعه یافته است. چگونه در بدو امر، در مناطق مختلف پذیرفته شده، حامیانش چه افرادی بوده و چه نهادها و مهندسانی تولید برنامه‌ریزی و اجرای نهایی آن را داشته‌اند؟

در غرب افریقا، به‌لحاظ سست‌بودن مصالح مورد مصرف سنتی، تحقیقات باستانشناسی، ژرفای چندانی نداشته و بازآفرینی تاریخی با مشکلات بسیاری مواجه است. تجزیه مصالح ساختمانی و چوب به‌کاررفته در بنا که عموماً به‌مرور زمان سست می‌گردند، مانعی برای تحقیقات مستمر به‌شمار می‌آیند. تشکیل جوامع اسلامی در غرب صحاری بزرگ افریقا، نه از طریق تهاجم نظامی و دستورالعمل‌های دیوانی، بلکه از طریق جذب تدریجی بازرگانان مهاجر مسلمان، دانشمندان و استادکاران جدیدالمذهب، روابط خانوادگی و پیوندهای میان معلّم و متعلّم، صورت پذیرفته است. جوامع مسلمان اغلب از طریق ازدواج‌های محلی، مالکیت‌های خصوصی که به‌صورت مجزا و یا در کنار شهرها قرار

نقشه مسجد جنگری، تیمبوکتو، که در قرن چهاردهم میلادی بنیان نهاده شد. قسمت‌هایی که بعداً به مسجد منظم شده است در سمت چپ نقشه با خطوط روشن مشخص شده است.



نقشه صحرای بزرگ الریفا. بسیاری از مساجد کوچک روستایی در طول راه‌های تجاری ساخته شده‌اند.



گرفته بودند و یا از طریق علایق مشترک سیاسی شکل می‌گرفتند.

تسلط اعراب بر جوامع بربری شمال آفریقا در قرن‌های دوم و سوم هجری موجب تشدید علاقه آنان به استفاده از راه‌های تجاری صحاری غرب آفریقا گردید. نخستین اسناد مربوط به حضور مسلمانان در صحاری غرب آفریقا به چند دهه پس از تسلط آنها بر شمال آفریقا بازمی‌گردد. توسعه تجاری در حاشیه راه‌های تجاری سودان نظیر: ناکورور، کائوکاو، غنا و مالی در قرن‌های چهارم و پنجم هجری با اسلام آوردن فرمانروایان این نواحی هم‌زمان بود. این حکمرانان ضمن پذیرش اسلام، میراث و هویت فرهنگی بومی خود را حفظ نمودند. نشانه‌های حفظ این هویت بومی نه تنها در شهرهای دوچهره و مراسم مذهبی دوگانه، بلکه در نواحی دورافتاده، مانند مساجد کوچک روستایی که در حاشیه گذرگاه‌های تجاری که سوداگران مسلمان، با بهره‌مندی از نظام بومی حمل و نقل (حمل بار بر سر) ایجاد نمودند، آشکار است.

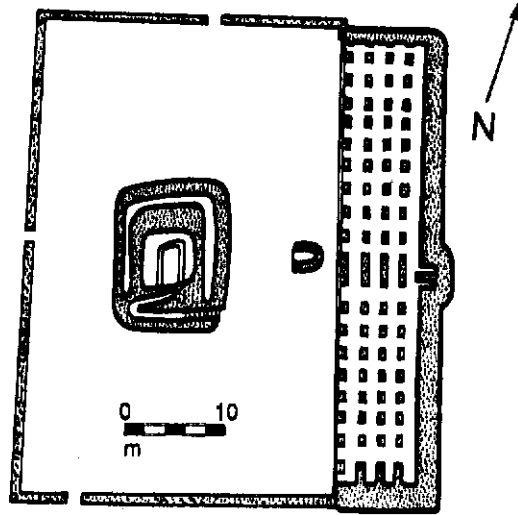
دولت‌های مستعجل نظیر امپراتوری تکداوست، اوالاتا، تیمبوکتو و... هم‌زمان با کاروانیانی که مصرانه صحاری خشک را تا مستهیل‌الیه آن پیوسته درمی‌نوردیدند، در غرب آفریقا، ظاهر گشتند. این مراکز سیاسی - مذهبی و مدنی بدوی عموماً میان مناطق گرم و جلگه‌ای یا در امتداد راه‌های آبی که انتقال کالا را از شتر به کُرَجی و یا حمل با سر موجب می‌گشتند، قرار داشتند. بقا یا زوال سیاسی این مراکز قدرت بستگی به رشد روزافزون این راه‌ها و محموله تجاری آن داشت. تنها از قرن هجدهم - و به‌ویژه قرن نوزدهم - به‌بعد بود که، به‌طور مشترک، اسلام دین فرمانروا و فرمان‌بر گردید.

از ویژگی‌های ساخت بنا در غرب آفریقا استفاده از خاک، الوار و شاخ و برگ گیاهان است. از خاک به طریق مختلف استفاده می‌شود که شامل گِل روزآورده و در

آفتاب خشک‌شده در قالب خشت‌های سیلندری شکل و یا خشت‌های مستطیلی شکل می‌باشد. در این بناها به‌ندرت از آجر استفاده شده است، ولی با آتش‌کردن قسمت‌هایی از بنا گِل خام آن را تبدیل به سفال نموده‌اند. از به‌کاربردن طاق‌های ضریبی تا قبل از رواج آجر در قرن سیزدهم ه. (نوزدهم م.) اجتناب می‌شد. از ستون‌های چوبی ندرتاً استفاده شده و پوشش سقف‌ها عموماً از تنه درخت خرما، ااقابا - یا تمبر هندی - ریشه یا ساقه‌های به‌هم‌سافته‌شده گیاهان تشکیل شده است، بنابراین پوشش سقف‌ها، به‌طور سنتی، بر اساس نظام تبریزی بوده است. طاق‌های ضریبی که از سده سیزدهم ه. (نوزدهم م.) در شمال نیجریه و نیجر که با استفاده از قالب‌های جنافی شکل، ساخته می‌شدند مأخوذ از قالب‌های سنتی بادیه‌نشینان است. شرایط جوی، که موجب تجزیه سریع پوسته خارجی بنا می‌گردد، نیاز به بازسازی مداوم دارد. نمای خارجی بنا که با گِل خام اندود می‌شود، کیفیت سبالت و منحصر به فردی به خود می‌گیرد که نتیجه اندود مستمر سطح خارجی بنا با گِل خام است. تغییر درجه هوا در اقلیم گرم و خشک با استفاده از دیوارهای ضخیم گِلی توأزن یافته و با تعبیه پنجره‌های محدود در بنا این منظور تشدید گشته است. بنابراین پنجره‌ها به دلایل ساختاری و جوی، در بنا بسیار محدود هستند.

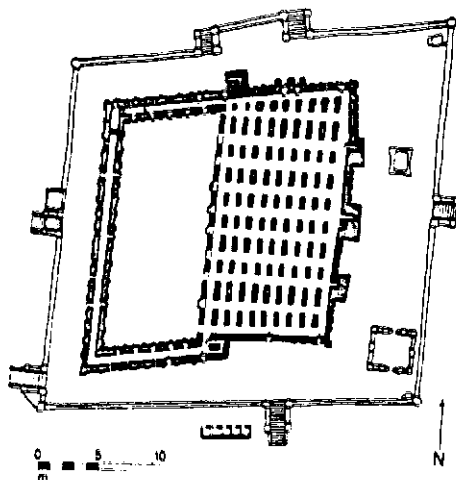
ساخت سنتی بنا مستلزم مشارکت جمعی در برنامه‌ریزی و اجراست. روش سنتی ساختن ابنیه به‌طور کلی تخصص طلب نمی‌نماید، ولی معطوف به تقسیم کار است: نجاری و بنایی - که پیوستگی مشخصی با خاک و چوب دارد - کار ویژه مردان است. آبیاری، پختن سفال و حراست از کوره سفال‌پزی، جمع‌آوری هیزم و بافتن سبد و حصیر - امور مربوط به پختن اجزای سفالی بنا و نیز پختن گِل خام برای تحصیل آجر، تولید قاب‌های چوبی برای ساختن طاق‌های ضریبی و بافتن حصیر برای اندود بام - از

مسجد و آرامگاه اسکیا محمد، کاتب: نقشهٔ محلی با برج و منار
 حجیم آن (که در قرن نوزدهم به شکل فعلی اش تجدید بنا گردید)
 به همراه پلکان و گذرگاه‌ها.

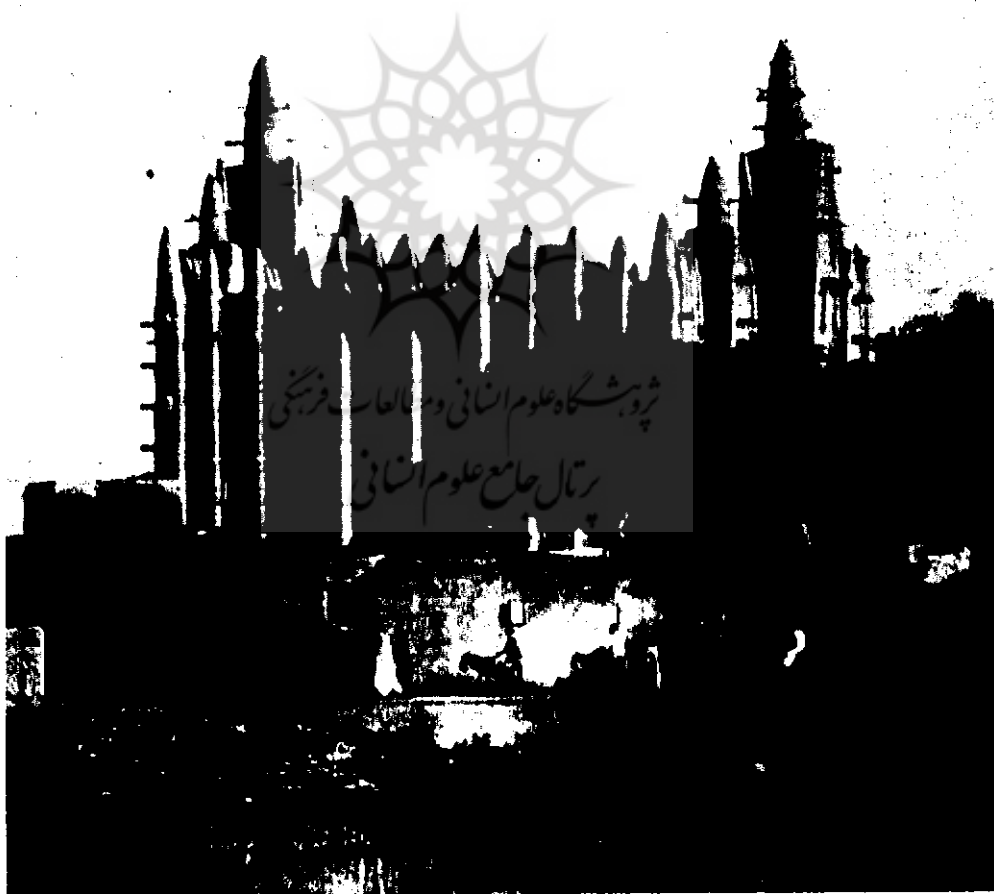


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

نقشه مسجد بزرگ جن، بنای موجود متعلق به ۱۹۰۹ م. است. دیوار
و محراب به سمت قبله در سمت راست قرار گرفته است.



مسجد بزرگ (۱۹۳۵)، موبنی، از آنسوی رودخانه.



وظایف زنان به‌شمار می‌آید. نفوذ تدریجی اسلام، در جلگه‌های غرب افریقا و معرفی شیوه‌های ویژه بنایی و صنوف معمار و جذب آن در شیوه‌های سنتی ساخت، تأثیر فراوانی به‌جا گذاشته است.

فرهنگ و سنت مندینگ و سونگایی

بومیان مندینگ و سونگایی قویاً به حضور مستمر اجدادشان اعتقاد دارند و این حضور در قالب زیارتگاه‌های تک‌ستونی یا مجموعه‌ای از ستون‌های مخروطی‌شکل سفالی یا سنگی که در این زیارتگاه‌ها قرار دارند، آشکار گشته است. این زیارتگاه‌ها که در همه‌جای صحاری غرب افریقا گسترده‌اند مُعرف آداب و رسوم نژادی و اساطیر مندینگ و سونگایی می‌باشند، که از یک‌سو از نیاکان طلب مغفرت نموده و از دیگر سو امنیت سرزمین اصلی را، از طریق حفظ پیوندی نمادین، تأمین می‌نماید. در جریان نفوذ ارزش‌های اسلامی در یک جامعه سنتی، زیارتگاه‌ها و محراب‌ها با نساذهایی از اجداد و نیاکان به مکان‌های نیایش تبدیل شدند. این بناهای بومی کیفیت چند منظوره و پُرابهامی به خود گرفتند که شاهد مثال آن مساجد روستایی بی‌شماری است، که به فاصله یک روز پیاده‌روی از یکدیگر، در جوار راه‌های تجاری جلگه قرار دارند، که از نیجر تا جنگل‌های باران‌زای سواحل، امتداد دارند.

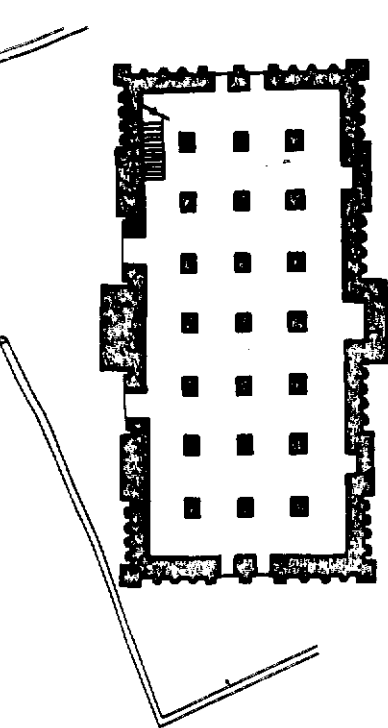
تیمبوکتو

بنا بر روایات و سنت شفاهی تیمبوکتو، حدود هشتصد سال پیش توسط قبایل بادیه‌نشین بربری که در صحاری غربی مشغول داد و ستد بودند، بنیان نهاده شده است. به‌مرور زمان شهر حوزه‌ای برای تعالیم اسلامی گردید و در عین حال نقش خود را به‌عنوان یک مرکز تجاری - یک مرکز بازرگانی، یک کاروانسرا - حفظ نمود. شهرت آن به قرن هشتم هجری، به زمانی بازمی‌گردد، که منشا موسی، پادشاه اسلام‌آورده مالی هنگام بازگشت از

زیارت خانه خدا، در سال ۷۲۷-۷۲۴ ه.ق. (۲۷-۱۳۲۴ م.)، از طریق تیمبوکتو، دستور بنای مسجد جنگربو را، در آن وادی، داد. طراحی مسجد به‌شاهر اندلس، الساحلی، که به هنگام بازگشت منشا موسی، از زیارت خانه خدا، او را همراهی می‌کرده است، نسبت داده شده است. ولی این که طراحی آن به چه صورت تجسم گشته و چگونه توسط معماران بومی عینیت یافته است به شکل یک معماری شگفت‌آور مکتوم مانده است.

با گذشت زمان مسجد جنگربو (به‌گفتار سونگایی: «مسجد بزرگ») تغییرات بسیاری هم از نظر بازسازی و هم از نظر فضا سازی یافت - زیرا مسجد در محل گودی قرار دارد و سیلاب به آن راه دارد، هم‌چنین تفسیرها و تجدید نظرهای عملی، در مذهب مالکی و نیز پیوستگی‌های سیاسی - فرهنگی و تناسفات درون‌شهری در این امر بی‌تأثیر نبوده است. بخش‌های مرتبط با نقشه قدیمی مسجد نشان می‌دهد که در ابتدا شامل یک مناره و پنج جناح بوده که در سمت جنوب و غرب آن قبرستان قرار داشته است. در زمان احداث، این بنا و بزرگ‌ترین عمارت موجود از سنگ آهک و ساروج به‌شمار می‌آمده است. رسم سنتی دفن اجساد سران قوم در صحن یا مصلا و یا در جوار آن، مأخوذ از سنت محلی در پناه نیاکان بودن است، که در فرهنگ معماری اسلامی جذب شده است.^۲

با توجه به نظام تنظیم فضا که تا به امروز استمرار دارد، این رسم منفرداً، تبعات عمده‌ای در معماری به‌همراه داشته است. این مقابر که در زوایای آن چهار یا شش ستون مخروطی‌شکل از جنس گیل فرار گرفته است، امروزه، اغلب چسبیده به فضای بیرونی و یا پیرامون یک مسجد و یا فضای باز نزدیک به آن یافت می‌شود. برج یا مناره مخروطی‌شکل نخستین (در سمت شمال - غربی)، که اینک به‌سادگی در حذف و اضافات بعدی و گذرگاه‌های پله‌ای حل شده‌اند، ممکن



نقشه مسجد بزرگ مویش، ۱۹۳۵.

شیستان مسجد گواندام، که طرز استفاده از خشت خام را برای زدن طاق نشان می‌دهد.



است در ابتدا آرامگاه یا یک مقبره بوده باشد که تدریجاً به بخش اصلی اضافه شده است. این الحاقات در توازن کامل با ستون مخروطی شکلی است که شرف محراب نیمه مدوری است که اخیراً به آن اضافه شده است.

در اوایل قرن دهم ه. (شانزدهم م.) تیمبوکتو، به زیر سلطه مونگایی‌ها و رهبر تازه اسلام آورده سختگیر آن، اسگیا محمد، درآمد. به تدریج که دامنه سلطه حکومت سونگایی به سمت شرق وسعت یافت، فوياً در ترویج اسلام کوشید و به حمایت از دو دانشمند مسلمان - المغیلی و سید عبدالقاسم طواطی - پرداخت که آنان نیز به نوبه خود در ساختن چند مسجد در طول این دوره سهم مؤثری داشتند. از مساجد به جامانده از این دوره، مسجد کاتسینا (در ایالات نوظهور هاوسیا در شمال نیجریه فعلی) می باشد، که تنها مناره پلده دار آن به جا مانده است. چهار جهت کاملاً آشکار این مناره، به همراه سه بخش مجزا و پلکان رو به بیرون آن، نه تنها یادآور مناره مسجد بزرگ فیروان در تونس می باشد، بلکه شرف مناره‌های موجود در واحه‌های شمال صحرائی بزرگ است. نیز قرابت سبکی محسوس میان پلکان بیرونی مرقد بزرگ اسگیا محمد، در کائو و مناره‌های برج مانند مساجد در تیمبوکتو، آشکار است. دقت بسیار حساب شده در فرهنگ معماری اسلامی سونگایی، با چهار جهت مشخص و سطوح تقسیم بندی شده عمودی آن، که یادآور شکل یک تلسکوپ است، در تضاد کامل با ستون‌های مخروطی شکل اجدادی فرهنگ معماری مندیگ است که برایشان به جا مانده است.

برنامه‌های دامنه دار مسجد سازی که از اواخر قرن دهم ه. (شانزدهم م.) به همت قاضی الغیب آغاز گشته بود، از این لحاظ حایز اهمیت اند که به حفظ معیارهای سنتی انجامیدند: در سال ۹۸۸ ه. ق. (۱۵۸۱ م.) قاضی با استفاده از اندازه‌های پیرامون کعبه، به مثابه یک معیار، صحن مسجد سانگور را (که از بناهای معتبر شهر است) و دقیقاً با اندازه‌های مسجد جنگربر مطابقت دارد.

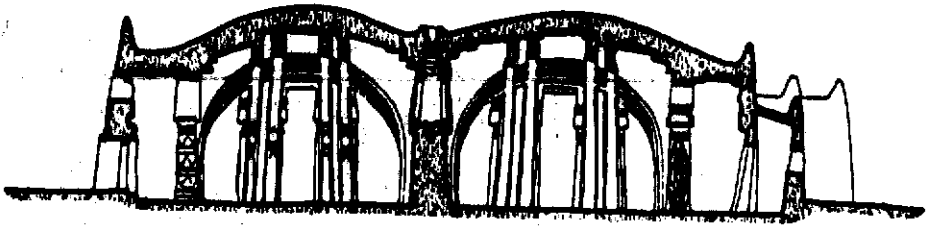
طراحی نمود. آنچه که از نظر شیوه معماری شایان توجه است، در این نهفته است که سطوح بیرونی کعبه به مثابه معیار محاسبات حیاط اندرونی در نظر گرفته شده و به این ترتیب به سنت بومی افریقای مبنی بر تأکید روی فضاهای باز حیاط اندرونی به مثابه مفهومی از کانون کیهان، به عنوان «قلب خانه» احترام گذاشته شده است.

معیارهای معماری افریقای و نیز مصالح به کاررفته در آن، با تجدید بنای مکرر مساجد، در طول تاریخ، منافات داشته است. تجاوز نظامی مراکش به سونگایی در ۹۹۹ ه. ق. (۱۵۹۱ م.) زمینه را برای فرمانروایی پاشاهایی فراهم نمود که فقط به ظاهر تا اوایل قرن نوزدهم، در آن وادی امارت می نمودند. میان سال‌های ۱۸۲۶ و ۱۸۶۵ سه فرقه فرهنگی مختلف مسلمان برای تسلط به شهر با یکدیگر مبارزه می کردند. تحقیقات میدانی اوایل قرن نوزدهم نشان می دهد حیاط اندرونی که پایین دست مناره قرار دارد، باید بعد از سال ۱۸۲۶ تجدید بنا شده باشد و تحقیقات بعدی، میان سال‌های ۶۵-۱۸۶۳، حاکی از آن است که ردیف‌های دیگر بنا بعداً به آن اضافه شده است. تعیین تاریخ دقیق بنا، شیوه معماری و تاریخ تجدید بنا، با توجه به طبیعت بی دوام مصالح ساختمانی، بسیار مشکل است. هر کدام از تشکلهای فرهنگی که به شهر استیلا می یافتند - فولبی (Fulbe)، کونتا (Kunta) (حسینه)، توکولور و طوارق - تلاش داشتند (تا با توجه به نوع عضویت‌شان در انجمن‌های اخوت قادریه و طیبجانیه) دیدگاه‌ها و اعتقادات اسلامی خود را، در راستای فرهنگ بومی، تحمیل نمایند. از این گذشته معماری با خشت و گیل برای اقلیمی که از نظر سیاسی، دیوانی و مذهبی پیوسته در حال تحول است، به مراتب مناسب‌تر از مصالح «مقاوم» مانند سنگ می باشد. خاک قابلیت بهره‌برداری مجدد دارد: با هر تغییری در ساختار مذهبی و سیاسی دیوارهای کهن عرصه بناهای جدید می گردند.

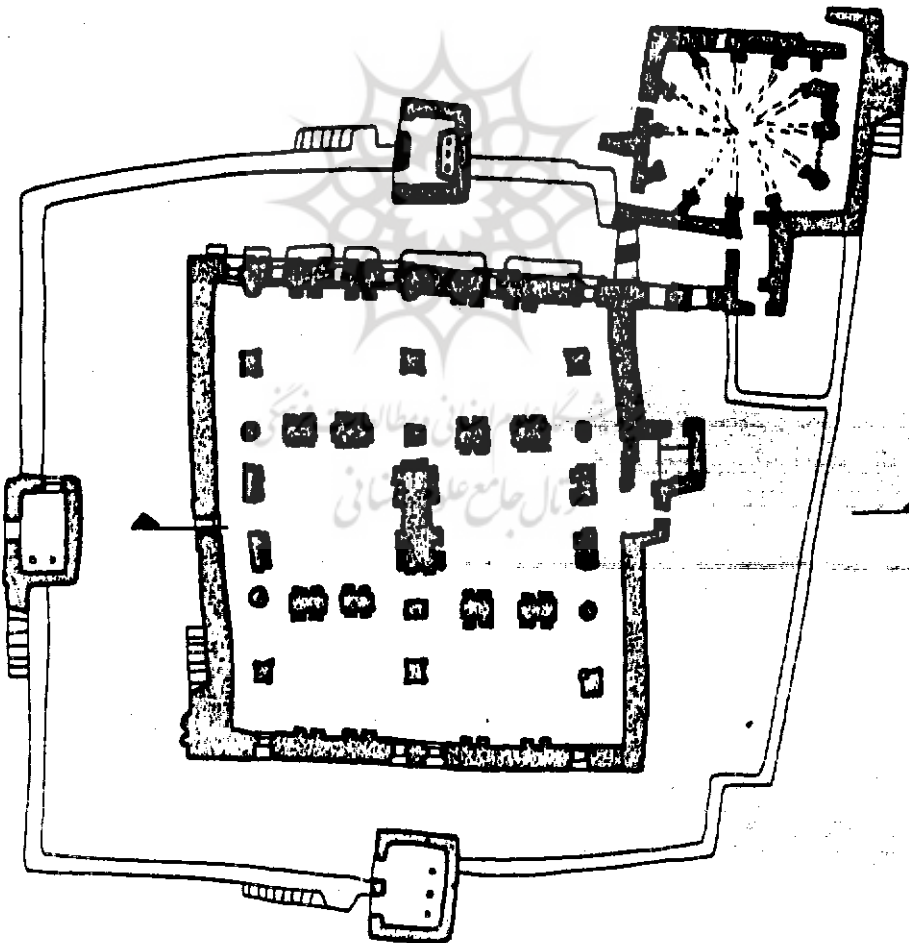


پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مناره مسجد دجاوولو، مالی نمونه مشخص از معماری با خشت خده در ساحری بزرگ افریقا. تیره های بیرون زده از دیوار آنها در استحکام بنا سهیم اند، بلکه تردبان آبی برای اندود سلاله مطبخ حرره مسجد هستند می آیند

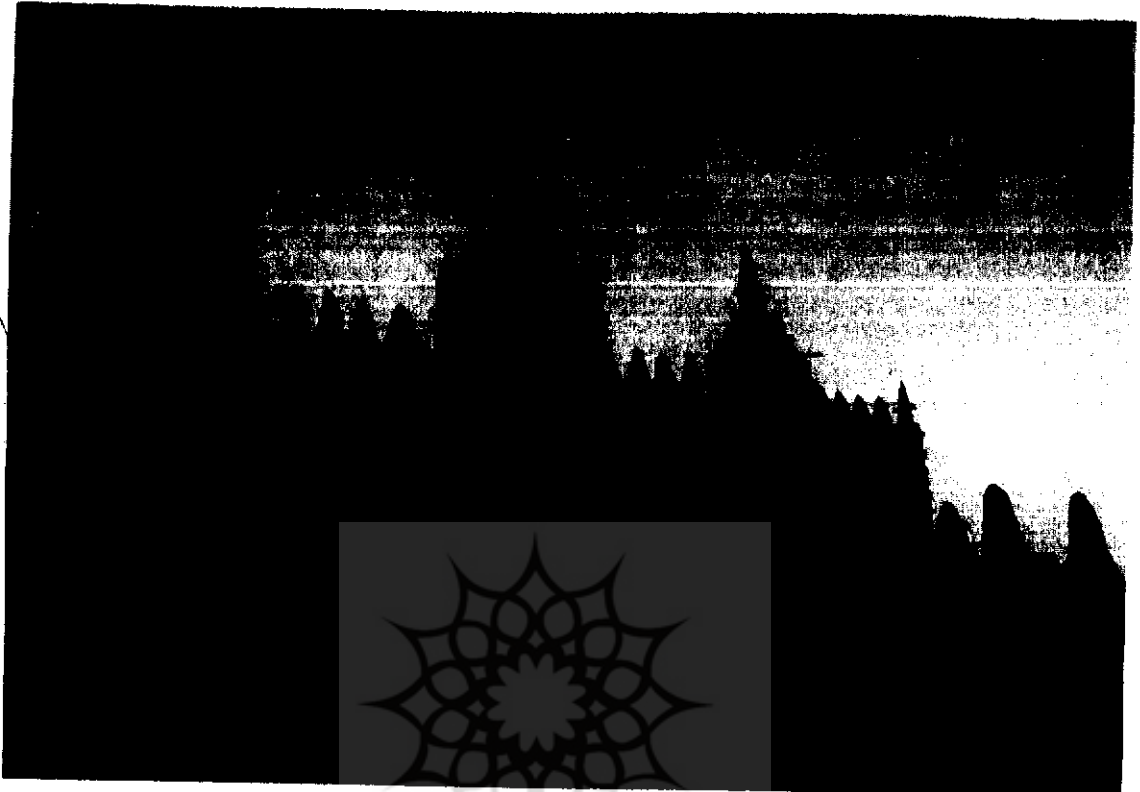


نقشه و مقطع مسجد جمعه، زهیر.



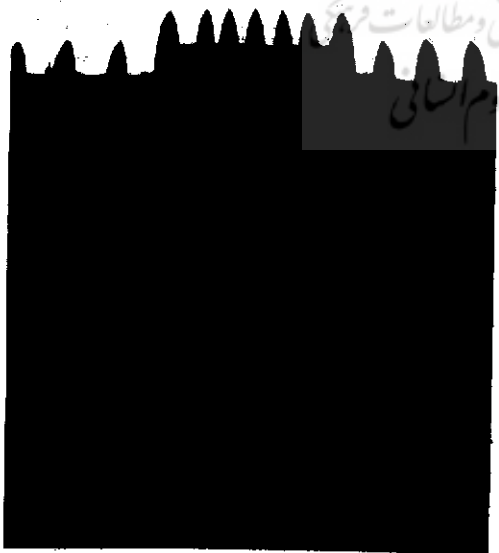


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



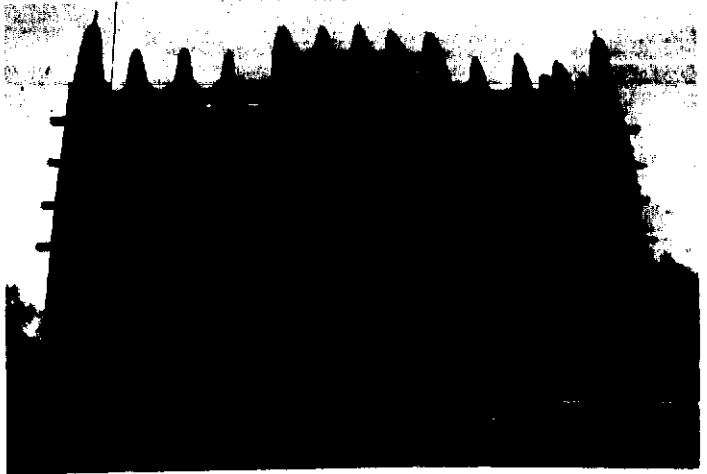
مسجد بزرگ جن، مالی، ۱۹۰۹، با الهام از میراث بومی معماران
مندیگ ساخته شده است. مسجد لغی تحت نظارت معماران
فرانسوی در محل یک مسجد متعلق به قرن چهاردهم م. بنا گردیده
است.

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم اسلامی



آسانه مسجد بزرگ جن، مالی، ۱۹۰۹.

مسجد بزرگ موپس، ۱۹۳۵.



مسجد ده، سگو، مالی، (تجدید بنا حدود ۱۹۶۱ م).



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مسجد روستایی در بوگوش، مالی. این مسجد احتمالاً در سال ۱۸۹۰ ساخته شده است. در طرح این مسجد از شکل نهم شش‌مربع - تسادی از باگنی و زایش = هم به عنوان تزئین و هم برای دفع آب باران سقف، استفاده شده است.



آگادس

فراتر از مساجد تیمبوکتو، مناره‌های پلکانی مسجد آگادس - بیست و هفت متر و پنجاه سانتی متر ارتفاع، بلندترین مناره در غرب آفریقا - در نیجریه می‌باشد که میراث فرهنگی ابادیت‌های شمال آفریقا را به شیواترین وجه، بیان می‌نماید. حفظ ساختار عمودی و ملحوظ داشتن بلندپروازی‌های معتقدان از جمله کارهای بسیار مشکل در ساختن باگیل خام است. ارتفاع اغراق‌آمیز مناره، به صراحت، ارتفاع مخروطی شکل مناره‌های الجزایری را که در خط‌الرأس تپه‌های مشرف به شهر قرار دارند، (مانند مناره فاردیه در مذاب) به یاد می‌آورد. شهر آگادس، مانند تیمبوکتو، در گذشته بسیار دور، توسط بادیه‌نشینان طوارقی، بنیان نهاده شد. ولی برخلاف تیمبوکتو (که هم‌چنان به صورت یک شهر تجاری باقی ماند)، آگادس پایتخت و مرکز سیاسی گردید، ضمن این که به عنوان یک کاروانسرای اصلی بر سر راه زایران، جایگاه خود را حفظ نمود. زمانی که مناره در سال ۱۸۴۴ م. ساخته (و یا تجدید بنا) گردید، بازرگانان عمده و هسته اصلی رهبری آن که توسط اقوام کونا صورت می‌پذیرفت از ناحیه طواط در مذاب (الجزایر) به منطقه مهاجرت کرده بودند. پله مناره شهر حدود ۹ متر مربع در مقطع قطر دارد و قطر تاج آن در انتها به ۲/۵۰ متر مربع می‌رسد. برای حفظ انسجام عمودی مناره، درون حرکت حلزونی شکل پله‌ها، از سیزده قطعه تنه درخت خرما که به دو نیم شده و به فاصله یک تا یک و نیم متر از یکدیگر، روی دیوار قرار گرفته‌اند، استفاده شده است این شمعک‌های چوبی، که در اصطلاح محلی به آن طورون می‌گویند و در تمامی مساجد سودانی غرب آفریقا یافت می‌شود، نه تنها مقاصد عملکردی و ساختاری را (به عنوان اسکلت گیل خام) مرتفع می‌سازد، بلکه ذهن انسان را به سوی تولد مجدد و رستاخیز سوق می‌دهد. پله مناره، از هر سمت، هفت حفره رو به سوی بیرون دارد که موجب

انتقال نور به درون آن می‌گردد و تمامی آن روی چهار ستون گلی بنا شده که مسجد بر آن محاط است.

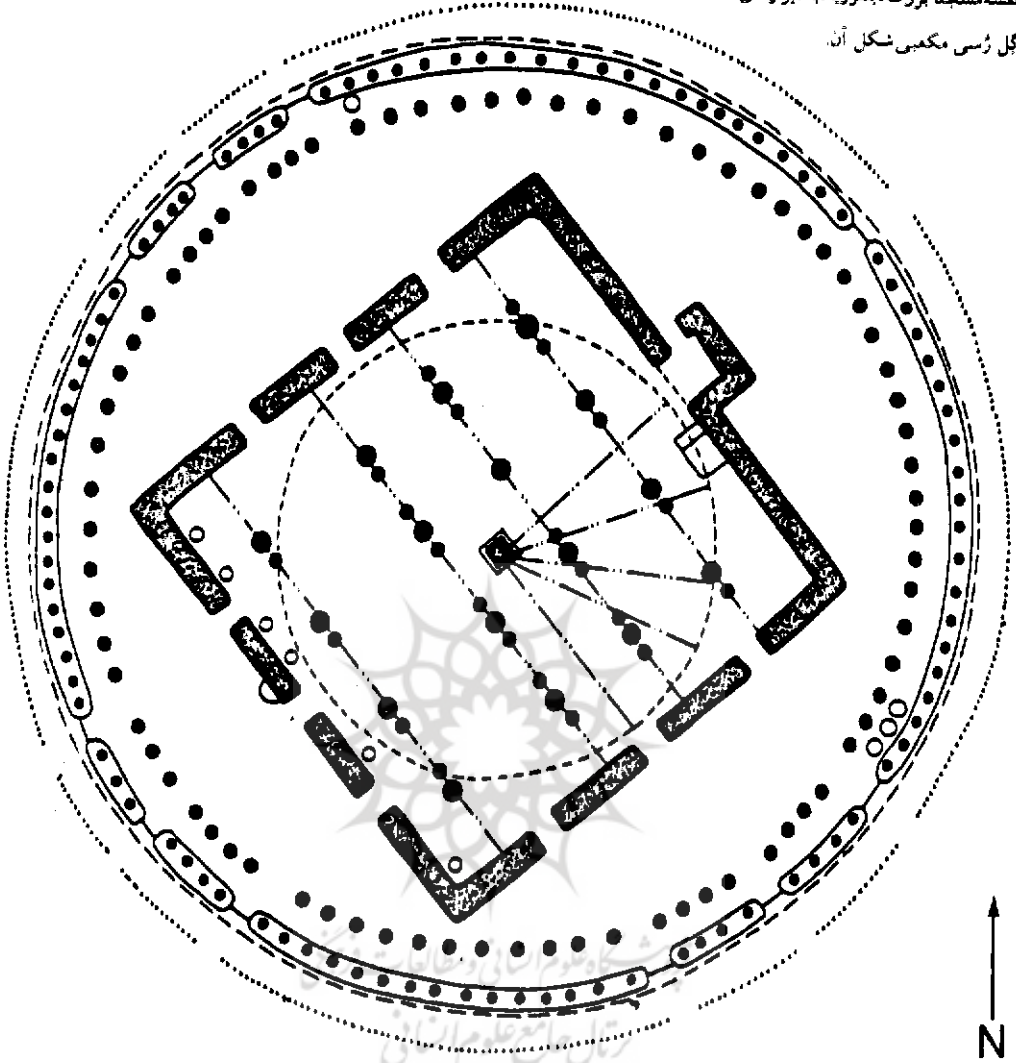
جن

اعتبار شهر جن، به عنوان شهر هم‌زاد تیمبوکتو، به واسطه قرار داشتن بر سر راه تجاری صحاری باختری و نواحی جلگه‌ای است. ریشه‌های فرهنگی آن از رودخانه بان، دلشای علیای رود نیجر و صحاری مندینگ نشأت گرفته و حیات اقتصادی‌اش به لحاظ تماس با تیمبوکتو پیوسته رونق داشته است. معماری مسجد بزرگ جن، هرچند از میراث فرهنگ بومی مندینگ ملهم شده است، ولی تنها نماد منحصر به فرد معماری اسلامی در غرب آفریقا است.

مدارک باستان‌شناسی حاکی از آن است که تقریباً هزار سال پیش دهکده ماهیگیری کوچکی نزدیک محل فعلی جن قرار داشته است. اسناد مکتوب متأخرتر نشان می‌دهد که نخستین حاکم شهر (جن - گویی)، چگونه در اواخر قرن هفتم هجری، اسلام آورده، قصر خود را تخریب نموده و در محل آن یک مسجد ساخته است. جانشینان وی دو «مناره» به آن منظم نموده و زمامدار بعدی، ششسانی که دور تا دور آن را احاطه کرده است، احداث نمود. ولی لازم است تحقیقات علمی باستان‌شناسی محل دقیق، تاریخ احداث و سبک نخستین معماری شهر را دقیقاً مشخص دارد. در قرن دهم ه. (شانزدهم م.) شهر در محل فعلی‌اش به عنوان یک مرکز بزرگ تبادل کالا برای بازرگانان مسلمان مندینگ که از بیابان‌های جنوبی و بازرگانان شمال آفریقا که از صحاری خشک به تیمبوکتو می‌آمدند، احداث گردید.

هرچند تعیین سبک معماری مسجد بر اساس یادداشت‌های فرضی فلیکس دوبوا (Félix Dubis) که در سال ۱۸۹۷ م. از خرابه‌های آن صورت پذیرفت، چندان قابل اعتماد نیست، ولی به شایستگی حاوی

نقشه مسجد بزرگ دینفوریه، با دیوارهای
گیل رُسی مکعبی شکل آن.



مشخص می‌نمایند، این دو مناره ممکن است همان در ستونی باشند که توسط نخستین بازماندگان جن-گویی احداث شده‌اند. مناره‌ای که در میان قرار دارد، احتمالاً ستون قبر بوده و پایه گلی ستون مخروطی، در سمت دیوار شرقی قبله، تشکیل محرابی می‌داده است که از نظر سبک به محراب مخروطی شکل مسجد جنگرپر، در تیمبوکتو، شباهت داشته است. ستون مخروطی شکل گلی، که در سنت نمادی از درایت نیاکان است، مجذوب

اطلاعاتی از تاریخ احداث جن در محل فعلی‌اش می‌باشد. دقیقاً در مرکز صحن بزرگ مربع شکل، که نمی‌از آن مسقف بود، مناره مخروطی شکلی قرار داشت و در فاصله میان آن به سمت شرق، مناره دیگری به موازات دیوار قبله قرار گرفته بود که محراب را مشخص می‌نمود. با در نظر گرفتن سنت تدفین افریقای، که در آن پسرها، پدر متوفی را در مزار خانوادگی دفن نموده و حضور نمادین‌اش را با احداث ستونی مخروطی شکل

اعتقادات اسلامی گشته و در این جا تمیین کننده جهت قبله است. سنت بومی معماری، در فرهنگ اسلامی، معنای نوینی به خود می گیرد.

ستون های گیل رسی اجدادی که در جهان بینی اسلامی مفهومی جدید به خود گرفته است، در عین حال به مثابه ستون های حایل دیوار مسجد نیز عمل می کنند. هم چنین، این ستون های هایل، بر اساس ۹ مربع سحری (یو) تنظیم یافته اند. در حاشیه دیوار شرقی قبله، قبرستانی قرار داشت که دربرگیرنده مزار محترمین، مرابط، منشیان و مراجعی بود که نقش تمیین کننده ای در شکل گیری تاریخ اسلامی شهر داشتند.

مسجد فعلی بر اساس نقشه های دیووا، که از روی خرابه های به جامانده ترسیم شده بود، در سال ۱۹۰۹ م. بنا گردید. برای احداث آن، هلمای مندیک، که مورد توجه مهندسان جوان نظامی - اداری فرانسوی که اغلب از فارغ التحصیلان مدرسه پلی تکنیک پاریس بوده اند، طرف مشورت قرار می گرفتند. طرح آن بر اساس پایگاه نظامی جدید فرانسوی ها، در سگو، مالی، که آن نیز از قصر احمدو، فرمانروای برکنار شده افریقای، نسخه برداری شده بود، پی ریزی گردید.^۷

سازندگان آن بناهای بومی باری بودند که در صنوف متشکل معماران جن، که در منطقه از شهرت به سزایی برخوردارند، عضویت داشتند. توفیق آنان در به سامان رساندن بنا، به لحاظ دانش زیست - محیطی عمیق شان، از وضعیت اقلیمی دلتای علیای نیجر بود که توانست از خاک رُس، آهک، سرگین و گاه معجونی را بسازد که استحکام لازم را برای احداث بنایی از جنس گیل رُس دربر داشته باشد.

تنظیم سه وجهی سردر دیوار قبله در قسمت شرقی از طریق یک برج کاذب جانبی در دو سوی مناره اصلی که محراب در آن قرار دارد، صورت پذیرفت.

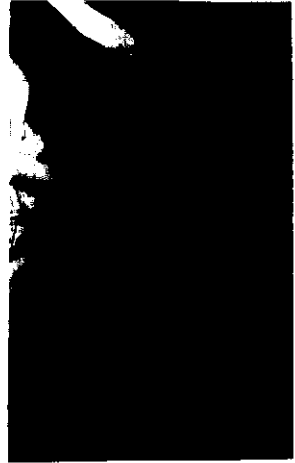
این نما در زمینه بازار روزی قرار می گیرد، که فضای آن در نتیجه محوطه سازی برای احداث مسجد فعلی

ایجاد گشته بود. مسجد فعلی مانند بنای قبلی شامل یک حیاط چهارگوش (البته نه به صورت کامل) می باشد که نیمه شرقی آن مسقف است. شبستان های سمت شمال و جنوب مسقف اند و هر کدام دارای پله مناره های متعدد می باشند. شبستان زنانه در سمت جنوب مسجد قرار دارد. ورودی اصلی مسجد در سمت شمال قرار دارد که دربردارنده شمایل های افریقای تشریفات ورود است. دور تا دور مسجد دارای دیوار است و صحن آن، به سنت اجدادی، مدفن بسیاری از علمای مسلمان است.

موپتی

مسجد جن، که از سوی کارگزاران مستعمراتی به عنوان نمادی از قدرت استعماری فرانسه در غرب افریقا معرفی می شد، الگوی مساجد بسیاری در دیگر نقاط نظیر: سان، سگو و موپتی گردید. زمانی که نیروهای اعزامی فرانسه، اواخر قرن نوزدهم، به منطقه رسیدند، موپتی، چیزی بیش از محل اطراق کوچکی برای ماهیگیران سورگونی مصب رودخانه های بانی و نیجر نبود. رشد سریع آن به زمانی بازمی گردد که فرانسویان مصمم گشتند، برای ارسال کمک به نیروهای اعزامی خود در شمال، از رودخانه به عنوان یک راه آبی استفاده کنند. دهکده کوچک موپتی ستاد فرماندهی فرانسویان گردید و در سال ۱۹۱۴ مرکز امور مستعمرات به عوض جن شد. در سال ۱۹۲۰ خاک ریزی احداث گردید تا از طریق آن بتوان جزیره گوموگیل را به سرزمین اصلی پیوند داد و راه را برای تجارت اروپاییان و جذب سیاحان فرانسوی باز نمود.

مسجد بزرگ جزیره که در سال ۱۹۳۵ ساخته شده، منبعث از مسجد جن می باشد و ساکنان محلی معتقدند که توسط معماران اهل جن ساخته شده است. هرچند آقای کاکو تیبو کارگزار فرانسوی وقت می نویسد که برای امام جماعت و مراجع مسلمان تنها دو عامل در ساخت مسجد حایز اهمیت بود: جهت رو به قبله مسجد و



سقف مسجد بااما، نيجر (شروع ۱۹۶۲، پایان نهایی ۸۳-۱۹۷۸)، با تویزه‌های چوبی بسیار ظریفی که با گچ و خاک اندود شده‌اند.

نمونه‌ای از مساجد روستایی مندینگ (ایس مسجد احتمالاً اواخر قرن هجدهم بنا گردیده است). چنبا، شمال غنا.



شبستان مسجد جمعه (۱۸۶۳-۱۸۲۶)، زئیر، نيجریه که توسط بابانگوانا، مشهور بنا شده است. در طرح این مسجد که متأثر از سنت ساهانمان‌سازی افوام هاوسا می‌باشد، بیاند و بان عمود دایره‌شکل و صحن مربع‌شکل برقرار است. سقف با الوار درخت خیره، بزرگ‌تری شده و میسب کل رُس اندود شده است.



داشتن منار. وی در دستور کارش موارد دیگری را نیز در نظر داشته است:

نمای بیرونی را به صورتی طراحی کردم که بسیار زیبا بود. ولی با تغییر جهت مسجد به سوی قبله، نمای سُست خاک‌ریز و از طرف کوموگیل [با فاین]، که از نظر جلب سیاح بسیار حایز اهمیت بود، از دید پنهان ماند. برای جبران مشکل، دو سردر دیگر به طرح اضافه نمودم.^۸

نقشه مسجد در هر دو سوی محور اصلی کاملاً قرینه است. شبستان مسقف آن شامل چهار جناح است که از سه ردیف ستون در عرض و هفت ردیف ستون در طول تشکیل شده است، که از طریق جناقی‌ها به یکدیگر پیوند خورده‌اند. مناره محراب با برج کاذبی که در جناح غربی ساخته شده است، جور آمده، ورودی‌های شمال و جنوب، که با داور ورودی‌های سنتی مسجد جن می‌باشند، در یک ردیف متقارن قرار گرفته و صحن را تشکیل داده‌اند. طرح منسجم مسجد در پیوند با شمعک‌های بلند سنتی، به همراه دیوارها - و نه فقط منار - زمانی که به قاب سه‌بُعدی درمی‌آیند، احساسی از ترفیع به دست می‌دهند که قابل تجربه در هیچ جای دیگر افریقا نمی‌باشد. اگرچه در تنظیم فضای این بنا، صحن نقش عمده‌ای ایفا نمی‌نماید، به‌عوض ارتباط تنگاتنگ راهرو و فضای پیرامونش با بافت خیابان مستحکم‌تر گشته است.

گاوندام

یکی دیگر از بناهایی که در سده بیستم، بر اساس سبک معماری سنتی سودانی انجام یافت، مسجد مرکزی در گاوندام است که در ۸۰ کیلومتری جنوب - غربی تیمبوکتو و فدیما قرار دارد. این بنا که توسط فرمانده یگان مهندسی ارتش فرانسه، رنو، طراحی شده است، در سال ۱۹۴۳، به وسیله صنعتگران محلی در پرتو حمایت استاد - معمار سگو بوگاری ساخته شد. شکل

بیرونی آن، با توجه به شمعک‌های بسیار بلندش مُعرف فضای صحاری سودانی است. ولی در فضای درون آن برای طاق‌نماها، ضربی‌ها و طاقچه‌ها، به میزان زیادی از خشت خام بهره گرفته شده است. هر چند برای ساختن بن از سنگ استفاده نشده است، ولی مسجد حالت سترگی دارد، که علت آن قِلت مصالح مورد مصرف محلی است که لازم است برای استحکام خشت خام آن را با ماسه و خاک عمل بیاورند.

سنت‌های فولبی و هاوسا

قدما متذکر شده‌اند که اسلام ابتدا، در قرن نهم هجری، توسط بازرگانان مالی، در شمال نیجریه، اشاعه یافت و در قرن دهم هجری بسیاری از فضایی اسلامی دربار هاوسا، در پرتو حمایت فرمانروایان سونگایی قرار داشتند. فرهنگ و شرع اسلام برای بخش عمده جامعه هاوسا جنبه حاشیه‌ای داشت تا این که در اواخر قرن نوزدهم اقوام فولبه بر علیه آن‌ها اقامه جهاد نمودند. اقوام فولبه، جماعت دانشمندی گسترده‌ای که جلگه‌های غرب افریقا را، از فونتانورو در غرب تا دریاچه چاد در شرق را، به آزادی زیر پا می‌گذاشتند، از قرن‌ها پیش اسلام آورده و علمای‌شان شهرت داشتند. جهاد نظامی که در سال ۱۸۰۴ به رهبری عثمان دان فودیو صورت پذیرفت، به تأسیس حکومت در سوکوتو انجامید و موجب گشت نا اتحادیه‌ای از ایالات سابق هاوسا به رهبری اقوام فولبه تشکیل گردد. نخستین سال‌های سده نوزدهم شاهد یک برنامه وسیع معماری در لوای خلافت جدید بود که به ساماندهی بنیه دفاعی موجود شهر، ساختن باروهای جدید، مساجد و قصرهای جدید انجامید.

نخستین مساجد با استفاده از روش سنتی معماری هاوسا ساخته شدند. سقف‌های مسطح آن با استفاده از الوار درخت خرما، که به فاصله اندکی از یکدیگر قرار گرفته بودند، بر جنگلی از ستون‌ها استوار شده بودند.

تیرها، سپس با حصیر پوشیده شده و روی آن‌ها را با گیل رُس اندود می‌نمودند. سقف فضاهای بزرگ از طریق طاق‌های حملانی که ستأ در معماری غرب سودان به کار می‌رفت، ساخته می‌شدند. در این فرایند طاق‌های حمل جانبی جلودار طاق اصلی می‌شدند. مسجد جمعه باوچی نمونه درخشانی از این روش است. به این ترتیب که دور تا دور صحن اصلی را راهروی مسقف دربر گرفته است. برای ورود به راهرو چهار دروازه مناردار کوتاه گیلی پیش‌بینی شده است که ستت بومی هاوسا را یادآور می‌گردد. منار بر بالای محراب قرار گرفته که می‌توان از طریق پلکان آن به سقف مسجد راه یافت.

در مساجد متأخرتر از طاق‌های گیلی استفاده شد، که احساس فضای باز و رفیعی ایجاد می‌نمایند. این طاق‌های مسلح (به چوب) که اغلب از خشت خام ساخته شده‌اند و در بسیاری از بناهای مذهبی و دیوانی به کار رفته‌اند و در زمان استیلای اقوام فولبه بر ایالات هاوسا متداول بودند، موجب خلق فضاهای جدید در معماری گشتند. این طاق‌ها به دو صورت شکل پذیرفته‌اند: یا از طریق گچ‌کاری روی ریشه‌های شکل داده شده درخت افاقیا (که در بدنه‌سازی چادرهای اقوام فولبه نیز به کار می‌رفت) و یا با توکار گذاشتن کمک حمل‌های چوبی در دیوارهای گیلی و پوشاندن آن با گیل رُس. روش دیگری نیز به کار برده می‌شد به این صورت که تنه‌های درخت خرما را به صورت شعاعی روی یکدیگر قرار داده و ابتدا و انتهای آن‌ها را محکم نموده و سپس با گیل اندود می‌نمودند.

زئیر

مسجد جمعه زئیر به احتمال زیاد، اوج خلافت معماران را در قالب مذهبی پس از جهاه اقوام فولبه در اوایل قرن نوزدهم، آشکار می‌سازد. این مسجد که در اواخر سال‌های ۱۸۳۰ با اوایل سال‌های ۱۸۴۰ توسط بابان‌گوانی، معلم میخائیلی، نخستین معمار بزرگ

سرزمین هاوسا، به دستور عثمان دان فودیو بنا شده. در عین حال شاخص‌ترین بنایی است که توسط معماران هاوسایی و کارفرمایان فولبه‌ای به‌جا مانده است. حجم‌های درونی صحن مسجد که شامل شش طاق می‌باشند، از طریق نظام هندسی بسیار حساب شده‌ای، بر ستون‌های آزاد و مسلح که توسط ضربی‌ها به یکدیگر متصل می‌گردند، استوار است، ولی این تنظیم هندسی با ورودی یا شارع قصر که دقیقاً مانند ورودی یک چادر می‌باشد، فرق دارد. ابتکار عمل معمار در این جاست که تویزه‌های چوبی را در دل دیوار گیلی قرار داده است. در معماری سنتی افریقا راهرو دور تا دور مسجد قرار می‌گیرد و تنها از طریق چهار ورودی قابل دسترسی‌اند، که در عین حال به مثابه وضوخانه عمل می‌کنند.

سطوح خارجی مساجدی که توسط معماران هاوسا و با سفارش و حمایت مالی اقوام فولبه ساخته شده‌اند، در مقایسه با قصرهای امیران، بسیار ساده هستند، ولی به تزئینات داخلی آن‌ها به همان میزان توجه شده است. در سطوح داخلی این بناها شیواترین نقوش هندسی به صورت نقوش برجسته‌ای به چشم می‌خورد که یادآور میراث اجداد بادیه‌نشین آن‌ها می‌باشد که با بافته‌های ظریف و آویزهای چرمی متنوع و منقوشی که در تقابل با بافت ساده و فرسوده بیرونی چادر قرار می‌گیرد، درون چادرهای‌شان را تزئین نموده‌اند.

دینقوریه

منطقه فوتا جالون در گینه از سال ۱۷۲۶ شاهد استیلا و تحکیم موازین اسلامی در این سرزمین بوده است. امروزه پهن دشت طبیعت، پوشیده از مساجد محلی است که میراثی از فرهنگ اسلامی بادیه‌نشینان فولبه‌زبان است. طرح این مساجد، مانند کعبه از یک مکعب تشکیل شده است و قویاً منبعث از شریعت مالکی است، ولی از بیرون اختلاف چندانی با خانه‌های سنتی اقوام فولبه ندارد. اتاق‌های بارعام قصرها و

صحن مسجد پانا، نزدیک سیرمو، مالی. (این مسجد به احتمال زیاد
اوایل قرن نوزدهم بنا شده و در سال ۱۹۶۰ تجدید بنا گردیده
است). درودی شبستان در منتهی‌الیه عکس دیده می‌شود.



دروازه خروجی که به صحن مسجد دیانرابه منتهی می‌گردد.
(حدود ۱۹۲۰)، مالی، جنوب غربی موپن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مسجد بزرگ دینفوریه، کینه. (تاریخ آغاز بنای این مسجد به سال ۱۸۲۹ م. بازمی‌گردد و در سال ۱۸۸۳ تجدید بنا گردیده است). بنای و سازنده این مسجد الحاج عمر می‌باشد و نمونه کامل مساجد محلی اقوام فولیه است. شبستان مکعب‌شکل مسجد با گنبد دایره‌شکل آن پیوندی با طرح ماندالا (طرح مقدس مربوط به عالم هستی) دارد.

است)، شامل مکعبی از جنس گیل رُس است که شبستان مسجد را می‌سازد. عدم تجانس صوری میان ذهنیت و عینیت از سوی مصرف‌کنندگان آن این‌گونه تبیین شده است:

مسجد آن نیست که از بیرون می‌نماید، بلکه صرفاً آن مکعبی است که با دیوارهای گیلی در درون قرار دارد. گنبد بزرگی که آن را احاطه کرده است، حفاظتی بیش نیست.^۱

دورنا دور دیوارهای گیلی را راهروی دَوار فراگرفته که یادآور غلام‌گردش‌های باز اطراف مساجد در سنت معماری ماندینگ و هاوسا است و همان‌گونه که در اکثر مساجد غرب افریقا شاهدش هستیم، درخت بزرگی که به یاد بنیان‌گذار مسجد غرس کرده‌اند، دیده می‌شود.^۲ نقشه دیگری که در اسناد خانوادگی الحاج عمر در دینفوریه یافت شده است شامل طرح سردر مسجدی

شبستان مساجد بر محور یک دایره طرح‌ریزی شده‌اند که درون آن مکعبی از گیل رُس به شکل خانه خداست. مرکز و محیط دایره را ستون‌های چوبی تشکیل می‌دهند که از درون با چوب روکش شده و سقف و پوشش بیرونی آن با کاهگل اندود شده است.

در اواسط قرن نوزدهم، با الهام از جهاد اقوام فولیه در سرزمین‌های هاوسا، الحاج عمر یک ارتش حرفه‌ای متشکل از معماران افریقایی که توسط فرانسویان آموزش دیده و با ساز و برگ فرانسوی تجهیز شده بودند، جهاد بزرگی را از دینفوریه آغاز نمودند. اگرچه خود او در سال ۱۸۶۴ کشته شد، ولی بازماندگانش آرزوی همیشگی‌اش را اجابت نموده و در سال ۱۸۸۳ مسجدی را بر اساس طرحی که خود وی تنظیم کرده بود، بنا کردند. طرح مسجد که متضمن نقشه فکورانه است (از مربعی سحری مانند یک ماندالا تشکیل شده

پی نوشت ها:

1. 'Il peut arriver, il arrivera très fréquemment, qu'en s'islamisant, un pays adopte une des couleurs multico, lors que le gigantesque priane triangulaire islamique peut offrir, en décomposant la blanche vérité divine dont l'islam diffuse la lumière.' Cited by Vincent Monteil in L'Islam Noir, Paris, 1964, p.41.

۲. تحقیقات میدانی که برای مشخص نمودن تاریخ ساختمان مساجد، در غرب افریقا بعمل آمده است، بیش تر به وقت زمین اشاره دارد تا زمان احداث بنا و در اغلب موارد مسجد موجوده بنایی نیست که در اصل بنا شده است.

3. Tadeuz Lewicki, 'L'Etat nordafricain de Tahert et ses relations avec le Soudan occidental à la fin du VIIIe et au IXe siècle,' *Cahiers d'Études Africaines* 2, 4 (1962), pp.52-35.

۴. تاریخ پیش از اسلام در غرب افریقا، تاریخی صرفاً شفاهی است. با ظهور اسلام تاریخ بومی به زبان عربی تدوین گردید. این منابع از نظر ارباب اطلاعات در زمینه وقایع و اشخاص مرتبط با آن در هر شهر یا منطقه بسیار غنی می باشند، ولی فاقد اطلاعات توصیفی لازم در پیوند با تاریخ معماری است.

۵. از رندگالیی به عنوان نخستین اروپایی که از شهر نیسوکو دیدار کرده و معماری آن را به ثبت رسانده است، یاد می شود. توصیف و طرح هایی که از نقش و مخطط مسجد جیگر بر به جا گذاشته است مدرک مستندی است برای شناخت تغییراتی که بعداً در آن صورت پذیرفته است. در اواسط قرن نوزدهم، ستاح ماجراجوی دیگری، به نام هنری بارث، دومین اروپایی است که از شهر دیدن کرده است. او نیز اسناد مختصری از معماری و ریخت شناسی شهر به جا گذاشته است.

۶. واژه تورو احتمالاً از اصطلاح سوتورو که در پیوند با دانش بشری است اخذ شده است. دانش به سیاق محلی دارای چهار بخش است که هر کدام از طریق یک نماد به نمایش درمی آید. بنا به گلنله دومینیک زاهان، در کتاب *بام بار* (۱۹۷۳)، صفحات ۲ و ۶ تورو نمادی است از رشد، تکثیر و تولد مجدد، واژه سوتورو به مراسم تدفین بازمی گردد که ششاهای از یک درخت مخصوص را با مرده دفن می کنند که نمادی از باززایی است؛ نماد دیگر، سوتورو، نشانی است از تنویر و آموزش عینی.

۷. ستوان اندربرگ، مهندس معمار جوان فرانسوی بود که کاخ قدیمی را برای ستاد نظامی ارتش فرانسه، بازسازی نمود. او از فارغ التحصیلان مدرسه بوزار پاریس بود و شاید به لحاظ آموزش های ویرله - لو - دوک احترام بسیاری برای سنت ها و فرهنگ بومی معماری لایل بود.

۸. م. ا. کوچی نبوده و نامهای خصوصی به لایل پروسین، نیس، ۲۷ ژوئن ۱۹۹۸.
۹. تحقیقات میدانی لایل پروسین، مصاحبه با بازماندگان الحاح صمر، در دینفوربه، فوریه ۱۹۷۹.

۱۰. سنت محلی هرمس در کنار مرقد فالده و با هر یک خانواده و یا قبیله رسمی است که در تمام غرب افریقا رایج است. این رسم در مورد قصر یک فرمانروا و یا بنیانگذار یک مسجد نیز حاکم است.

است که رهبر جهاد به هنگام سفر حج و یا تجربیاتش از مساجد خاور نزدیک و یا قالیچه های محرابی اخذ کرده است. ولی آنچه که معماران محلی، در اواخر قرن نوزدهم در فوتا جالون، با کمک مهندسان افریقایی که در فرانسه آموزش دیده بودند، بنا کردند، هم چنان سُعرَف میراث سنت معماری افریقا بود.

حاصل کلام

نمونه های مشخصی که برای معرفی مساجد در غرب افریقا انتخاب شده است شامل آن دسته از آثاری می گردند که هم ویژگی های فرهنگی سنتی بومی و هم اصول شریعت اسلام را یک جا دربر دارند. به طور قطع، تمام مساجد، منتهضات معماری مساجد - محراب، دیوار قبله، مناره و رو به سمت مکه بودن - را دارا هستند و تفاوت میان فضای قدسی درونی که برای انجام فرایض دینی در نظر گرفته شده و فضای دنیوی خارج آن آشکار است. بیرون از این دستورالعمل های اسلامی، مورد دیگری از نظر سبک معماری یافت نمی شود که از سوی خودی و غیر، مسلمان و یا غیر مسلمان، قابل شناسایی نباشد. زبان معماری مساجد در غرب افریقا سیمایی هم سو با زبان اقلیمی آن دارد؛ قواعد فضایی حاکم بر آن به طریقی نضج گرفته اند که با شریعت اسلام سنخیت داشته ضمن آن که این دستور زبان همواره ترکیبی است از پدیده ها و نمادهای ذاتی که از فرهنگ بومی نشأت گرفته است. زبان معماری مساجد در غرب افریقا با تلاش آفرینندگان و استفاده کنندگان مسلمانان لحن خود را یافته است، با این خصوصیت که هویت فرهنگ بومی اش را پیوسته حفظ نموده است.